



۲۰۱۹/۱۱/۱۳

عزیز الله کهگدای

گذراندرابی

اندراب بر روی سرچشمه جنوب شرق دریای دوشی واقعست. از قدیم الایام راه عمده عبور کاروان ها از صفحات شمال به کابل و هندوستان بوده است. فاتحان چون اسکندر، چنگیز، امیر تیمور، بابر و غیره از این معبر استفاده نموده اند.

اصطخری مینویسد: « اندرا به » شهرست در هندوکش و دو رود دارد و با موجودیت همین دو رود این ناحیه را اندراب خوانده اند، یعنی در میان آب مانند درخانه، یعنی میان خانه، در کوچه یعنی میان کوچه. پس اندراب میان دو آب یا دو رود قرار دارد. **باساس فرموده مرحوم محمد سرور آدینه**، یکی از باشندگان اصلی اندرابی: در زمان تیمورشاه درانی اندراب با حکومت مرکزی مناسبات نزدیک نداشت و والی که از کابل به اندراب مقرر شده بود، مردم او را پذیرفته ولی در امور اندراب مداخله نه داشته باشد. وی جریان را به پادشاه نوشت، تیمورشاه به والی دستور داد تا از سه قوم اصلی اندراب، قبیله بای « یعنی ثروتمند »، قبیله خان و محمد زابی ها خواهش کند تا چند تن از جوانان خود را بکابل جهت ملاقات بفرستند، آنها چند نفر را بکابل فرستادند و در بین شان جوان آدینه محمد از قبیله بای نیز بود. چندی بعد پدران جوانان جهت بازگشت فرزندان خود بکابل آمدند و از شاه اجازه بازگشت آنها را به اندراب خواستند ولی تیمورشاه گفت که آنها عجلتاً بکابل بمانند و برای رهايش شان محلی را انتخاب کنید تا برای خود خانه آباد و زندگی خود را پیش ببرند، آنها همین منطقه را انتخاب و بنام اندرابی شهرت یافت. حویلی عصری و بزرگی که در آغاز گذر اندرابی وجود دارد « در قسمت سوم راپور اندرابی از تلوزیون آریانا توسط همایون جان افغان گزارش یافته است، توسط برادران حاجی براتعلی و حاجی سلطان علیخان آدینه تقریباً ۹۵ سال قبل اعمار شده است و این نخستین حویلی بود که در آن زمان بامهای آهن پوش داشت، طوری که مرحوم آدینه میگفت که اعحضرت امان الله خان با دوربینی از بالای کوه آسمایی شهر کابل را نظاره میکرد چشمش به بامهای آهن پوشدار همان منزل افتاد. از خداوند شکر گزاری نمود که کشور من آنقدر پیشرفت کرده است که بامهای خود را آهن پوش میکنند. این خانه دارای ۴ سالون با در پرده چوبی با هم وصل میشوند و ۱۲ اتاق خواب در چهار گوشه سه منزل عمارت ساخته شده و دارای دوحویلی در پیش رو و عقب منزل دارد و خانه همسایه را خریده سرچاه دومنزله اعمار و با حویلی وصل نمودند.

بر مگردیم به روایت دیگر از **مرحوم داد محمد داد گر** باشندده اصلی گذراندرابی، اوگفت: در زمان امیر شیر علی خان یک تعداد از اهالی اندراب برای مراسم حج بیت الله نزد امیر مذکور بکابل آمدند تا اجازه و پاسپورت سفر را برای حج اخذ کنند، چون مردم اندراب با دولت همکاری نداشتند امیر آنها را به بهانه بعضی مشکلات منتظر ساخت و این انتظار دیر دوام کرد، بنابراین امیر شیر علی خان برای اینکه آنها را تابع حکومت بسازد در همین گذر اجازه اقامت داد. آنها به آبادی منزل پرداخته و محله مذکور به گذراندرابی شهرت یافت.

اینک به روایت دیگر:

سرکشی و سلحشوری مردم اندراب و سرباز زدن از پرداخت مالیه، به بیت المال امیر عبدالرحمان خان نامه عنوانی مرحوم سراج الدین خان حاکم اندراب نوشت « نامه مذکور در آرشیف ملی ثبت است » اما مردم اندراب باز هم از پرداخت این تقاضا سرباز زده جواب رد به حاکم اندراب سپردند. پادشاه امر نمود تا بصورت عاجل سران قوم ان ولایت را با فامیل های شان بکابل بفرستند تا در کابل به صنایع دستی و زراعت مشغول شوند. همان بود که در حدود یکصد و پنجاه فامیل از اقوام آنجا را به کابل فرستادند و در همین گذر که بعداً بنام اندرابی مسمی شد، جا بجا شدند و برای خود سرپناه و کارو باری تهیه نمودند. در جمله این سران قوم، ارباب تاتارخان، بابا جان خان و میر محمد امیرخان نیز شامل بودند.

اندرابی از شمال به جوی شیر « سالنگ وات امروزی »، منزل و باغ غلام جیلانی چرخي بود که در زمان نادرشاه به سفارت جرمنی داده شد. از طرف جنوب به مسجد علیا رتبه « بی بی زهرا ملقب به علیا رتبه دختر سردار

د پانو شمیره: له 1 تر 3

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينگه کړئ maqalat@afghan-german.de

پاڼه: دليکنې دليکنيزې ښي پاڼوالې د ليکوال په غاړه ده، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکې په خیر و لولئ

ابراهیم خان نواسه امیر شیرعلیخان، همسر امیر حبیب الله خان، مسجد علیا رتبه یکی از بناهای خیریه این بانوی پاک طینت است»، دکان چوبین صوفی تاج محمد در جوارمسجد و درخت بزرگ توت قرار داشت «اکثر مامورین، طلاب، و ساکنین اندرابی شاگردان و معلمات مکتب بوتهای گل پُر خود را نزد او گذاشته با بوتهای پاک بوظیفه میرفتند». در ورودی مکتب مستورات و دکانهای کلاه دوزی بود. از طرف شرق به مکتب «قبلاً وزارت معادن»، گذرسید جعفرآغا، و کوچه سردارها و دکان کریم مار گیر بود 1 و از طرف غرب متصل به باغ و خانه غلام صدیق خان چرخ «در زمان نادرشاه سفارت جاپان بود و بعد از جنگ جهانی دوم به فاکولته حقوق سپرده شد».

گذرهای شهرکابل دارای مزایای تاریخی، عنعنوی و گنجینه پُر افتخار آباء و اجداد بوده حاوی صفات پُر شور زندگی گذشتگان است و شهریان کابل نسل به نسل در آنجا ها امرارحیات میکردند و یک سلسله یادگار های چندین صد ساله مردم این خاک میباشند.

انسان در هرکوچه و گذری که طفولیت و جوانی، تا حد پیری اش را سپری کرده باشد، آنجا را وطن کوچک، عزیز و دوست داشته میباشد، لحظات شیرین و عاطفی عمر را که در آنجا گذرانده است، دیگر در هیچ جای دنیا با تمام زرق و برق آن باز نخواهد یافت.

ساحه حویلی و ساختمان منازل مطابق به عصر و زمان و دارایی اشخاص آباد شده بودند، اکثر حویلی ها دروسط و چهار جانب آن خانه ها بصورت یک یا دومنزه اعمارگردیده «مانند منزل مرحوم دادگر، حاجی رحمت الله» و اتاقها بنامهای آفتاب رخ، شرقی، غربی و غیره یاد میشدند. خانه های سرداران و بزرگان که اکثراً درشمال و جنوب گذر اندرابی اعمار شده اند دارای دروازه بزرگ و بلند بوده در دو جانب دروازه بسمت کوچه دو صغه مربع شکل ساخته میشد که بنام «کریاس» یاد میشد که محل نشستن کاکه ها و کلان کاران بود «مانند منزل بازمحمد خان آبدارباشی» بالای دروازه بزرگ عموماً اتاق مهمانان و گاهی اتاق پیش خدمتان و خدمتگاران ساخته میشد. این دروازه ها کنده کاری و دارای دیزاین های مقبول بودند.

درداخل اتاق های نشیمن بالای رف ها و اتاقها چینی های مقبول جانان، گردنروغیره چیده میشد. توشک های پنبه بی با متکاها دارای پوپکهای نقره بی و یا طلایی مزین بوده که بزرگان و مهمانان زیربازو گرفته تکیه میکردند؛ اتاق شاه نشین، همجوار اتاق نشیمن درحدود ۲۰ سانتی از اتاق نشیمن بالاتر که با بهترین اثاثیه و لوازم و فرش ها مزین میبودند، بعضی خانه ها دارای حمام «مانند منزل عبدالحکیم، حافظ نورمحمد کهگدای، سرداران و غیره». کوچه ها معمولاً در بعضی حصص تنگ و سرپوشیده میبود که بنام دالان و یا دیودی یاد میشد و طوری اعمار میشد که بیگانه ها نمی توانستند به آنجا داخل و حتی راه بازگشت خود را یافته نمی توانستند. ماما فتح دکاندر گذر همه اهالی گذراندرابی را می شناخت اگر بیگانه از مقابل دوکانش عبور میکرد مورد بازپرس قرار میگرفت.

خانه های اندرابی عموماً از خشت خام، پخسه و چوب آباد شده اند که اکثراً دارای سقف های مسطحه با کنده کاری و هکاکی گل ها و دیزانهای موجه بوده و داخل اتاقها دورادور پیزاره چوبی داشتند، نجاران لایق مانند مدد علی، استاد غلام محی الدین که بعد ها معلم مکتب صنایع نفیسه شد و غیره استادان بودند. سطح خانه ها با گل زرد صندله و دیوارهای حویلی باگچ و چونه روی خشت ها را پوشانید بود. ارسی ها معمولاً دارای سه پته بوده که درپته وسطی دو آینه و درپته بالایی یک آینه میداشتند. این منازل از ستاره های درخشان زمان همچنان نمایندگی از همت و زحمتکشی مردم این گذرو از تاریخ معماری و مهندسی گذشته های دور و استعداد مردم آن میکنند. معمولاً درداخل حویلی خانه ها یک چاه آب موجود میبود. در جوارمسجد اندرابی یک نل بزرگ آب پغمان درجریان بود که آب نوشیدنی اهالی را تکافو و توسط لاله خدایداد سقاء معروف مرد شریف و کرده گر، توسط مشک درمقابل اجوره بخانه ها میرساند.

1- گوشه از دوکان و خود کریم مارگیربا مار هایش درفلم امریکایی «سوارکاران» به اشتراک عمرشریف که درافغانستان تهیه گردیده است، میتوان در یو توب مشاهده کرد.

د پانوی شمیره: له 2 تر 3

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلپکنی د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولی

دو توله انجن در فابریکات حربی علم گنج بساعت های ۷ و ۸ صبح با صدای بلند که برای کارگران فابریکه بود، مامورین و طلاب مکاتب را بوقت معینه بالای وظیفه وحاضری میرساند. چون گذر اندرابی نزدیک به ارگ بود، از اینرو اکثر مامورین بلند رتبه، سرداران، تجار و اهل کسبه ماهر ساکنین آنرا تشکیل میداد مانند سردار محمد عمر جان پسر امیر عبدالرحمن خان و پسرش محمد نعیم ضیائی وزیر معادن، لالا سید میر رئیس ضبط احوالات امان الله خان، داکتر خلیل، عبد النبی قاسانی تحصیل یافته جرمنی رئیس ضراب خانه، عبدالحکیم حلیم باشی، کلانتر یعقوب کلانتر گذر، محمد محسن جان وکیل انتخابی ناحیه سوم شاروالی کابل، خلیفه باز محمد گلکار ماهر، شریف جان مدیر معدن، خانجی تاجر، حافظ نور محمد کهگدای سرمنشی، غفوری آبدارباشی حضور، سردار امیر محمد جان، میرزا محمد بنجاره، میرزا عبدالعزیز، عبدالجمیل خان نائب الحکومه مزار شریف و پسرانش عبدالجلیل و عبدالخلیل مامورین وزارت خارجه، عبدالرشید لطیفی پدربتیتر افغانستان، سید محمد آبدارباشی ظاهر شاه، امیر محمد مهندس، قوماندان قمرالدین خان، حاجی سلطان عزیز توخی سکرتر سفارت افغانی در پاریس، حاکم صالح محمد، خواجه فتح تجار بزرگ کشمیره انگلیسی، داکتر محمد ایوب کهگدای، باز محمد خان آبدارباشی امان الله خان وغیره سرشناسان بازار مشهور ده افغانان همجوار گذر اندرابی تماماً احتیاجات اهالی اندرابی را برآورده میساخت.

اهمیت گذر اندرابی با تأسیس مکتب مستورات « یعنی پوشیده » در شهر کابل بیشتر شد و ثریا ملکه اعلیحضرت امان الله خان اولین مکتب نسوان را در افغانستان در 1921 م در آغاز گذر اندرابی تأسیس کرد. مکتب به مدیریت سایره سلطان ملقب به سراج البنات خواهر امان الله خان مبادرت ورزید و ملکه ثریا اداره مکتب مذکور را با همکاری زنان منور کابل به عهده گرفت، به تعقیب آن ملکه ثریا با مادرش با مصرف شخصی خود مکتب « عصمت » را که به سویه لیسه بود افتتاح کردند که بعد ها بنام ملالی مسمی شد. مکتب مستورات دو دروازه دخول داشت، یک به طرف جاده اندرابی که معمولاً بسته میبود و دیگرش که بزرگ بود بطرف کوچه اندرابی اعمار شده بود و یک نفر ریش سفید دروازه بان داشت و شاگردان از همین دروازه رفت و آمد میکردند. مقابل گذر اندرابی در دریا بند آب بنام « ناظر سفر » همه ساله بسته میشد و آب دریا از گذر اندرابی گذشته تا بی بی مهر و میرسید. ناظر سفر، ناظر حبیب الله خان و وکیل اندرابی بود، پسران نامدار و دانشمند او استاد محمد انور بسمل، استاد ابراهیم صفا و محمد اختر که میخواست امان الله خان را به قتل برساند، بعداً اعدام شد.

هر صبح کوچه توسط عمه بلدی « شاروالی » جاروب میشد و ساکنین گذر نیز مقبل منازل خود را جاروب و آبپاشی می کردند. هر رهگذر پارچه کاغذی را که در صحن کوچه میبود آنرا برداشته در درز های دیوار می گذاشتند. بام های منازل باهم چسبیده و همسایه ها با هم روابط نیک و همکاری داشتند. کوچه ها در بعضی حصص دالان های پوشیده داشت که در بالای آن اتاقهای نشیمن همان منزل میبود. اندرابی از پاکترین گذر های کابل بود میگویند: هنگام بروز امراض ساری که دامنگیر مردم میشد، اندرابی در سلامت صحی می بود.

مردم اندرابی رویهمرفته مردمان عابد و نمازگزار بوده زندگی مرفه و اطمینان بخش داشتند، رشته دوستی و مردمداری و احترام متقابل مراعات میشد. اخلاق نیک، حیا و حجب در نقطه عروج میچرخید، خوردها در برابر بزرگان احترام و اطاعت نشان میدادند، کمتر کسی نسبت به اتفاق و همکاری مردم که بر مینای شفقت و صفای قلبی استوار بود، رخنه وارد در خدمت وی قرار می گرفتند و در میان اهالی کوچه های همجوار رویه نیک و پیش آمد موزون وجود داشت.

پایان

د پانو شمیره: له 3 تر 3

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته راښوئې. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلپیکني د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکي په خير و لولئ